



The Social and Political Teachings in the Divine Verses, a Solution to Explain the Requirements of Modern Islamic Civilization

(Received: 2022/10/28 / Accepted: 2023/07/01)

Saeed Hamidi¹

ABSTRACT

The emergence and growth of Islamic civilization has its roots in the social and political teachings derived from the Qur'anic contents. These teachings are comprehensive and maximal and belong to all times. Even today, in explaining the requirements of modern Islamic civilization, it is necessary for thinkers and policy makers in Islamic societies to pay attention and care to identify these distinctive and responsive civilizational elements that originate from divine revelations.

This research, using a descriptive-analytical method, seeks to answer the basic question, which is: What are the social and political beliefs that can play a role in explaining the requirements of modern Islamic civilization from the perspective of the Holy Quran? Based on the divine verses and referring to the library resources, the results showed that the social teachings of the Qur'an such as the recommendation for solidarity, preserving the unity of the Islamic Ummah, moral orientation, and the need to achieve justice and social security are educational requirements in explaining modern Islamic civilization.

Also, by relying on the teachings of political education in the Qur'an, achievements such as strengthening the spirit of self-respecting, commitment to the stability of good rulers, attention to economic and industrial development, as well as strengthening military and defense equipments can help in realization of modern Islamic civilization.

KEYWORDS: Social Teachings, Political Teachings, Divine Verses, Modern Islamic Civilization.

1- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Islamic Azad University, Mahabad, Iran, Saeed.Hamidi56@gmail.com



آموزه‌های اجتماعی و سیاسی در آیات الهی، راهکار تبیین الزامات تمدن نوین اسلامی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰)

سعید حمیدی^۱

چکیده

پیدایی و بالندگی تمدن اسلامی، ریشه در اساس آموزه‌های اجتماعی و سیاسی برگرفته از مضامین قرآنی دارد. آموزه‌هایی که جامع، حداکثری و متعلق به همه زمان‌هاست. امروزه نیز در تبیین الزامات تمدن نوین اسلامی، اهتمام متفکران و سیاست‌گذاران جوامع اسلامی در شناساندن این ارکان تمدن ساز متمایز و پاسخگو که منبعث از آیات الهی‌اند، اجتناب‌ناپذیر و امری ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین این پژوهش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که از منظر قرآن کریم، کدام‌یک از آموزه‌های اجتماعی و سیاسی می‌توانند در تبیین الزامات تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرینی نمایند؟ به استناد آیات الهی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای نتایج نشان می‌دهد آموزه‌های اجتماعی قرآن همچون توأسی به همبستگی، حفظ وحدت امت اسلامی، اخلاق‌مداری، لزوم حصول عدالت و امنیت اجتماعی از الزامات تربیتی در تبیین تمدن نوین اسلامی محسوب می‌گردند. همچنین با اتکا به آموزه‌های تربیت سیاسی در قرآن، دستاوردهایی نظیر تقویت روحیه عزت طلبانه، التزام استقرار حاکمان صالح، توجه به توسعه‌های اقتصادی و صنعتی و نیز تقویت تجهیزات نظامی و دفاعی باعث تحقق تمدن نوین اسلامی خواهند شد.

واژگان کلیدی: آموزه‌های اجتماعی، آموزه‌های سیاسی، آیات الهی، تمدن نوین اسلامی.



مقدمه

در دنیای امروز هر نوع ترقی و پیشرفتی صرفاً در بعد مادی و گرچه همراه با ظلم و انحطاط، بدون توجه به قوانین الهی، جزئی از توسعه و پیشرفت جوامع انسانی محسوب می‌گردد. لیکن در فرهنگ جامع قرآنی، قوانین اجتماعی و سیاسی نظام‌مند خداوند، مکمل قوانین تکوینی آفرینش و خلقت بوده و جزء الزامات^۱ هر جامعه و هر نوع توسعه‌ای به شمار می‌رود. به طوری که به استناد آیات آسمانی چنانچه هر جامعه انسانی برنامه عملی‌اش منطبق با دستورات الهی نباشد و فرهنگ پذیرش نسبت به قوانین الهی نداشته باشد، علاوه بر آنکه در مسیر تمدن^۲ سازی توفیقی کسب نخواهد کرد، آن مناسبات انسانی^۳ در نهایت به سوی انحطاط و نابودی می‌انجامد (انعام: ۷۰؛ نازعات: ۳۷؛ یونس: ۸۸).

اهمیت این موضوع تا بدانجاست که آیات الهی در تقسیم‌بندی تمدن‌ها، هیچ‌گاه از امپراتوری‌ها سخنی به میان نیاورده است، بلکه ذکر نام انبیا و تبیین منظومه نگرشی از حضرت آدم تا پیامبر خاتم (ص)، به مثابه تنها لوح تمدن سازانه بشریت معرفی می‌گردد. چراکه معیار تمدن‌ها و شاخصه‌های تمدن سازانه قرآن، وجوب فرهنگ دینی و التزام جوامع انسانی در ارتباط با قوانین الهی است؛ بنابراین واضح است که قرآن تمدن اسلامی را کامل‌ترین تمدن بشری بدانند، چراکه حرکت اجتماعی و سیاسی آن با برنامه مدون الهی همگام و همساز است.

این تمدن که با گذر از پیچ‌وخم‌های بسیار توانسته همچنان ماندگاری خود را تضمین نماید، یقیناً از عناصر و مقوم‌هایی برخوردار است که به واسطه آن‌ها امروزه می‌تواند در عرصه جهان، تمدنی نو، پویا و مؤثر به منصفه ظهور برساند. به طوری که بایست اذعان نمود که توانایی اسلام در ارائه تمدن باشکوه گذشته، بیانگر قابلیت آن در ایجاد تمدن نوین اسلامی است. در این بین جهان‌بینی قرآنی با راهبردهای بینشی و رفتاری، منظومه‌ای روشن را برای جوامع انسانی ارائه نموده است؛ به ویژه الزامات اجتماعی و سیاسی نهفته در آیات الهی، به عنوان منبعی مؤلف در راستای ایجاد جامعه‌ای متمدن است که بایست کانون توجه قرار گیرد (بقره: ۱۴۲).

بنابراین بهره‌گیری از معارف قرآن در راستای تمدن سازی، وامدار نگرشی منسجم و بهم‌پیوسته به تعالیم ناب آسمانی است و استخراج و استنتاج آن دسته از الزامات مدنی قرآن در تحقق مفاهیم امروزی همچون تمدن نوین اسلامی^۴ امری ضروری است. در همین راستا مطالعه

-
- 1- Obligations
 - 2- Civilization
 - 3- Humman Releations
 - 4-New Islamic Civilization

و بررسی آیات الهی بیانگر این نکته است که یک رشته ارزش‌های اجتماعی و سیاسی سبب تأمین انتظام اجتماعی و اقتدار سیاسی^۱ جوامع اسلامی شده و می‌تواند مسیر گفتمان^۲ تمدن سازانه امت واحده اسلام را قوام و دوام بخشد. به طوری که این اصول اجتماعی و سیاسی از شاخص‌های یک جامعه آرمانی و مطلوب قرآنی است. لذا پژوهش حاضر به دنبال معرفی آن دسته از آموزه‌های اجتماعی و سیاسی است که به استناد مضامین قرآنی و به‌عنوان الگویی مکتوم و مصرح، قادرند ضمن تبیین الزامات تمدن نوین اسلامی، سعادت پایدار جوامع اسلامی را تضمین نمایند.

پیشینه پژوهش

در حوزه شاخصه‌های تمدن اسلامی، کتب مختلفی نگارش یافته و همایش‌های علمی برگزار شده است که نشان از اهمیت مباحث در این عرصه دارد. به‌علاوه پژوهشگران متناسب با اندیشه‌شان تلاش نموده‌اند تا مقالاتی را به جامعه علمی عرضه نمایند.

مقاله «تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری» (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷) نمونه‌ای در این زمینه است. در این پژوهش اندیشه رهبری مبنی بر تمدن نوین اسلامی تبیین و ایجاد این تمدن به‌عنوان غایت انقلاب اسلامی معرفی شده است. «زمینه‌ها و بایسته‌های تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن‌گرایان» (غفاری هاشجین و خاکی، ۱۳۹۵) عنوان مقاله‌ای است که نویسندگان به دنبال شناخت زمینه‌های شکل‌گیری و بیان بایسته‌های تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر اندیشمندان حوزه تاریخ فرهنگ و تمدن بوده‌اند. در مقاله «واکاوی نقش راهبری دانشمندان و حاکمان در بالندگی تمدن اسلامی» (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷) تلاش شده است فرهنگ متعالی اسلام، دانشمندان حاذق و حاکمان کارآمد از عوامل محوری در بالندگی تمدن اسلامی معرفی گردد. ضمناً در مقاله «مؤلفه‌های فرا مادی تمدن ساز از منظر قرآن» (تبریزی زاده اصفهانی، ۱۳۹۹) نقش‌آفرینی صفات انسانی و اخلاقی در تمدن‌سازی توحیدی مدنظر قرار گرفته است. پایان‌نامه‌ای با موضوع «بررسی مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی در نهج‌البلاغه و آموزه‌های علوی» (ناصریان خلیل‌آباد، ۱۳۹۳) به تبیین مبانی استقرار پایدار تمدن اسلامی از منظر امام علی (ع) پرداخته است. آنچه این مطالعه را از سایرین متمایز نموده آن است که در پژوهش حاضر تلاش شده است تا به استناد آموزه‌های تربیتی اجتماعی و سیاسی، الزامات تمدن نوین اسلامی مورد بازبینی قرار گیرد.

1-Political Authority

2-Discourse

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی قرار دارد. بنابراین ضمن گردآوری و استخراج اطلاعات اولیه که با مراجعه به اسناد قرآنی صورت گرفته است، این پژوهش توصیفی و تحلیلی تلاش نموده تا در چارچوب آموزه‌های قرآنی به تحلیل محتوا پردازد. لذا با تجزیه و تحلیل مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با آموزه‌های قرآنی تلاش گردیده با نگاه تفسیری، آیات مرتبط با ابعاد اجتماعی و سیاسی استخراج و نقش هر یک در تبیین الزامات تمدن نوین اسلامی بررسی گردد.

۱. مفهوم شناسی

تمدن: «تمدن»^۱ مصدر ثلاثی مزید از باب تفعّل است. به باور برخی واژه پژوهان، ریشه «م د ن» معنای سکونت و اقامت درجایی را می‌رساند و واژه «مدینه» نیز برگرفته از آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۳۷). واژه شناسان قرآنی، پس از اشاره به مفهوم اقامت در ریشه «مدن»، «تمدن» را به معنای تخلّق به اخلاق اهل مدینه دانسته و اشتقاق آن از واژه «مدینه» را انتزاع گرفته‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۱)؛ اما به باور برخی متفکران معاصر، اصطلاح تمدن به معنای تشکل هم‌ماهنگ انسان‌ها در حیات معقول همراه با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌ها، جهت پیشبرد اهداف مادی و معنوی و دیگر ابعاد مثبت است. (جعفری، ۱۳۶۲: ۵؛ ر.ک: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۹: ۱۲۵). برخی محققان غربی نیز در تعریف تمدن نوشته‌اند: «تمدن به معنای نظامی اجتماعی است که خلاقیت فرهنگی را به ارمغان می‌آورد» (ویل دورانت، ۱۳۷۸، ۱: ۶۵). به نظر می‌رسد که وجود سازمان و نظم اجتماعی برای پیشرفت مادی و معنوی در جوامع بشری، نقطه مشترک تعاریف بسیاری از دانشمندان در زمینه بیان مفهوم تمدن است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۹۵-۹۶).

تمدن اسلامی: در خصوص وجود تاریخی تمدن اسلامی و نقش آن در تمدن جهانی نمی‌توان تردید کرد. پژوهندگان حوزه تمدن برآنند که تمدن نوظهور در جزیره العرب، با سرعت چشمگیری توانست همه تمدن‌های کهن را در خود جمع کند و در فرآیندی معقول، آن‌ها را در قالب تمدن جدید و متفاوت عرضه نماید (ویل دورانت، ۱۳۷۳: ۵۷) به طوری که این تمدن شکل گرفته

۱- این واژه در میانه سده هجدهم میلادی در برابر بربریت وارد عرصه مکتوبات علمی جهان گردید (ر.ک: فرجی، مهدی، ۱۳۹۵)، نوربرت الیاس و تحلیل تمدنی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات).

به حکم ریشه‌های هویتی‌اش تمدن اسلامی نام گرفت (المسایح، ۱۴۱۰ق: ۱۲۲) و دنیای جدید را مرهون نقش آفرینی خود ساخت. تمدن اسلامی لزوماً برآمده از دیانت انسانی یا برساخته مسلمانان نیست، بلکه محصولی است که ذیل چتر اسلام، در جامعه مسلمانی شکل گرفته است؛ بنابراین اگر اسلام نبود و مسلمانان کنش‌های خود را با آن منطبق نمی‌ساختند، چنین تمدنی هرگز رخ نمی‌کرد (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۳۶). در این راستا بایست افزود که «تمدن اسلامی با نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد» (جان احمدی، ۱۳۹۶: ۵۱).

به علاوه لازم است اشاره نمود از آنجا که اصلی‌ترین معنای مورد توافق محققان در تبیین واژه تمدن شهرنشینی و اقامت است، لذا عواملی چون حفظ وحدت، امنیت و آرامش، همبستگی ملی، همکاری و تعاون، اخلاق و دین‌مداری و تساهل و تسامح از عوامل زایش تمدن اسلامی خواهد بود (ولایتی، ۱۳۹۲: ۲۷) بنابراین جامعه‌ای مدنی که در مدار اسلام محوری، نظم نوین اجتماعی را فراهم نموده و بتواند مدنیت و قانون‌گرایی، مشارکت جمعی، عزت و سلطه ناپذیری را به‌عنوان عناصر کارساز به اجتماع مسلمانان ارمغان آورد، موفق به تبیین الزامات تمدن اسلامی خواهد شد.

تمدن نوین اسلامی: تمدن نوین اسلامی نه احیای همان تمدن مسلمانان است و نه بازسازی آن تمدن؛ بلکه تمدنی است مبتنی بر افکار، باورها و فرهنگ اسلامی که از ساختار علمی و منطقی برخوردار است. چنانچه روابط بین فردی، ملی و بین‌المللی آن، بر محور نظم و قانون و اخلاق مبتنی بر فطرت الهی متکی است.

به بیان رهبری، تمدن نوین اسلامی همانند تمدن غرب امروزی نیست که فقط جنبه ابزاری و سخت‌افزاری داشته و نتوانسته نیازهای حقیقی انسان به‌مانند سعادت، امنیت، آرامش روانی و هدفمندی زندگی را برای جامعه غرب به همراه آورد (بیانات رهبری با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳). به تعبیر ایشان، تمدن غرب^۱ بر اومانیسم استوار است؛ اما تمدن نوین اسلامی بر خدا‌گرایی اتکا دارد. تمدن غرب بر نیازهای مادی می‌پردازد و از برآوردن نیازهای معنوی بی‌بهره است؛ لیکن محور اساسی تمدن نوین اسلامی معنویت است. در تمدن نوین اسلامی همه نیازهای مادی و معنوی آدمی برآورده می‌گردد و روابط چهارگانه انسان با خود،

خدا، جامعه و هستی مدنظر است. عزت و کرامت انسان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و فناوری احیاشده و پیشرفت همه‌جانبه و حرکت در همه عرصه‌ها و جنبه‌های زندگی مادی و معنوی تحقق می‌یابد (همان).

تربیت اجتماعی: با استفاده از مباحث مطرح‌شده در جامعه‌شناسی^۱ و بهره‌مندی از مسائل تربیتی، تربیت اجتماعی را چنین تعریف کرده‌اند: «تربیت اجتماعی عبارت است از تأمین تمهیدات لازم جهت متجلی ساختن ارزش‌ها و ضوابط مطلوب اجتماعی در فرد به‌منظور مؤثر بودن در برخوردهای اجتماعی اعم از هدایت دیگران، مخالفت با نظرات غیرمنطقی، توافق و سازگاری و امور نظیر آن‌ها» (ایمانی، ۱۳۶۶: ۳۷) ضمناً روش‌های تربیت اجتماعی همان ابزارهایی است که به کمک آن‌ها مسئله اجتماعی شدن افراد جامعه تحقق می‌یابد (افخمی اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۷).

تربیت سیاسی: با توجه به اختلاف در مفهوم تربیت و سیاست، تعاریف متفاوتی از تربیت سیاسی شده است. جان الیاس در بیان مفهوم تربیت سیاسی می‌نویسد: تربیت سیاسی پرورش فضائل، دانش و مهارت‌های موردنیاز برای مشارکت سیاسی و آماده کردن افراد برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه خود است (الیاس، ۱۳۸۵: ۱۸۰). یکی از محققان معتقد است الگوی تربیت سیاسی برآمده از متون دینی، برخوردار از اصولی است که رعایت آن‌ها تحقق تربیت سیاسی را ممکن می‌سازد و با خروج از این اصول دستیابی به اهداف موردنظر ممکن نخواهد بود. از دیدگاه او اصول وفاداری، حق‌مداری، عدالت‌محوری، عقل‌گرایی، مشارکت‌طلبی و مسئولیت‌پذیری اصولی هستند که تشکیل‌دهنده جهت‌گیری تربیت سیاسی در منابع دینی محسوب می‌گردد (محمد طحان، ۱۳۸۸: ۹۱).

۲. آموزه‌های اجتماعی و سیاسی

جایگاه فرد در جامعه و ارتباط متقابل وی با مبادی سیاسی حاکم، مسائلی است که از دیرباز موردبحث بوده است. از آنجا که تمدن اسلام دارای همه ویژگی‌های تمدن متعالی در چارچوب آموزه‌های قرآنی است؛ لذا برای تبیین تمدن نوین اسلامی، بایست با تأسی به مبادی الهی و قوانین مدنی، آموزه‌های تربیت اجتماعی و سیاسی قرآن بازکاوی گردد.

الف) آموزه‌های اجتماعی: از آنجایی که وجه تمدنی و سازوکار کمال‌جویی انسان در ابعاد مادی و معنوی ارتباط تنگاتنگی با حیات اجتماعی وی دارد، لذا پرداختن بدین حوزه

حائز اهمیت بوده و بایست از منظر قرآن بازنمایی گردد. بررسی آیات مختلف در این زمینه نشان می‌دهد که آرمان الهی، تأسیس نوعی نظام اجتماعی است که نمونه کامل اعتدال و استقامت باشد و از هر افراط و تفریطی بپرهیزد (بقره: ۱۴۳).

منظومه اجتماعی در قرآن به‌عنوان پیش‌شان مدنیت در یک جامعه مطلوب اسلامی، تمایز بخش تمدن اسلامی با سایر میراث‌های انسانی است. در این بین پویایی جوامع اسلامی در ادراک عمیق از مبادی مناسبات انسانی از شاخص‌های تبیین تمدن نوین اسلامی و مورد توصیه آیات الهی است. چنانچه علامه طباطبایی در المیزان، شهید مطهری در پاورقی اصول فلسفه و روش رئالیسم، مصباح یزدی در کتاب جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن و علامه جعفری در ترجمه و شرح نهج البلاغه، بحث‌هایی را مطرح کرده‌اند که به‌نوعی به نظم اجتماعی مربوط می‌گردد.

ب) تواسی به همبستگی اجتماعی: تحکیم پیوند اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین عامل زایش تمدن‌ها در دست‌ورکار جوامع اسلامی است. عاملی که می‌تواند با ایجاد انتظام اجتماعی بر مدنیت و اتقان ابعاد تمدن اسلامی بیانجامد.

چنانچه آیه پایانی آل عمران که از سوره‌های مدنی و از آیات مربوط به کنش‌های اجتماعی است، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰).

سید محمود طالقانی در تفسیر آیه آورده است: «(وَ صَابِرُوا) ایجاد و تحکیم و توسعه روابط اجتماعی مرتبط در همه شئون و «رَابِطُوا» که سراسر احکام عبادی و اقتصادی و اجتماعی، برای ساختن مجتمع توحیدی یکسان و تبادل روابط است. رابطه با خدا و خلق و خود و جهان، رابطه با یکدیگر در صفوف عبادت و جهاد، رابطه با خدا، رابطه با امام و رهبر-چنانکه در روایات آمده- استحکام اجتماع با استحکام روابط است که در اسلام به‌صورت معنوی و تشریحی درآمده است. دین جز رابطه نیست و بی‌دینی جز گسستن از خدا و خلق و جهان نیست. این سه با آگاهی تقوایی دوام می‌یابد. «وَالتَّقُوا اللَّهَ» تقوا که نگرهان این روابط اجتماعی است و همه این‌ها محرک و بیرون برنده و رستن از تنگناها و گذشتن از گردنه‌های حیات لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (طالقانی، ۱۳۶۲، ۵: ۴۶۴).

بر اساس این بیان باید اشاره نمود آیات مشابه به دنبال تجلی اصل همزیستی در جوامع اسلامی هستند. اساسی که با هجرت نبوی (ص) به منصف ظهور رسید؛ لیکن تا قرن‌ها توانسته به‌عنوان بارزترین نماد جامعه مدنی، قانون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری را در بین امت واحد فراهم نماید.

در معناشناسی این مفهوم قرآنی یورگن هابرماس نیز توانسته کارکرد دین را در ایجاد این همگرایی انکار نماید. به طوری که بیان داشت: آشکارا یک مجموعه از باور دینی بوده که مناسبات جماعت بدوی را در مقابل تنش‌های داخل گروهی استحکام بخشیده است. توجه جامعه‌شناسان کلاسیک همیشه بر شیوه رفتار آیینی و روایات اساطیری متمرکز بوده تا آن را همچون منبع معیار ساز آگاهی و همبستگی اجتماعی ارزیابی کنند (رسولی، ۱۳۹۳: ۷۷).

در حقیقت می‌توان گفت که همبستگی امت اسلام از نخستین مؤلفه‌های تمدنی است که در بخش فرا مادی مورد توجه قرار گرفته است. چراکه رعایت این اصل با زایش مبادی همچون وحدت‌گرایی یا همان همدلی بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی بوده^۱ و اهرم اقتدار جامعه مطلوب قرآنی است. چراکه سهم عناصر فرا مادی و نرم‌افزاری تمدنی در قرآن، به مراتب فراتر از مؤلفه‌های مادی بوده است. هرچند بُعد سخت‌افزاری تمدن و پیشرفت نیز به هیچ‌روی مغفول نیست.

ج) لزوم وحدت امت اسلامی: نقش تجلی وحدت به‌عنوان کارسازترین عنصر تمدن ساز در پیشبرد اهداف جوامع بشری واضح است. چراکه با اتحاد بین طبقات اجتماعی، ضمن بهره‌مندی از امکانات، تبدیل استعدادهاى بالقوه به بالفعل به‌عنوان مظاهر بهره‌وری از منابع تبیین می‌گردد. ضمناً تمدن و مدنیت در سایه اجتماع پایبند به قوانین مشترک مدنی محقق می‌گردد. ویل دورانت نیز بر عامل وحدت به‌عنوان عنصر شکل‌دهنده تمدن تصریح دارد (دورانت، ۱۳۷۸، ۱: ۶۶).

قرآن مسلمانان را با چنگ زدن به ریسمان الهی از تفرقه می‌رهاند. الفت و اخوت را قوام وحدت مؤمنان و از نعمات خاص الهی می‌داند که سبب رهایی از پرتگاه هلاکت و خُسْرانی که قبل اسلام بدان گرفتار بودند گردید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران: ۱۰۳).

ابن عاشور ضمن اشاره به مصادیق وحدت، در مقام تفسیر این آیه استناد می‌کند که هدف اصلی آیه سامان‌دهی امت و به‌سازی و نگاه داشت نظام آن برای تکوین جامعه است (ابن عاشور، بی‌تا، ۱: ۳۹).

به علاوه قرآن با تصریح این مطلب که ملاک وحدت در جامعه تقوی است و نه رنگ و نژاد و زبان، بر معیارهای غیر اسلامی خط بطلان کشیده و اجتماع را مستعد ائتلاف نمود. حصول این

۱- از دیدگاه امام خمینی (ره) مهم‌ترین عنصر تمدن، نه در نمادهای فیزیکی آن، بلکه در توان انسان‌سازی آن یعنی بُعد معنوی و دینی آن نهفته است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ۸: ۳۶۸).

همگرایی گسست‌ها را مهار نموده و نظم اجتماعی را در مدار اتحاد تضمین می‌نماید. چراکه: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات: ۱۰) برادری پایه استوار زندگی جمعی مسلمانان است. این بنیاد باید با سازوکارهای شایسته و پیوسته استوار گردد. به طوری که راه‌های نگاه داشت این دستاورد ایمانی، صلح‌طلبی و پیگیری اصلاح در فرآیند اختلافات احتمالی است.

در تفسیر الفرقان آمده است: «برادری ایمانی بر پایه شریعت است و واقعیتی به انگیزه ایمان که مؤمن وظیفه دارد در زندگی اجتماعی چندان بدان دست یازد که میان مؤمنان جز به برادری نباشد و این نه برادری آفرینشی میان مردم و نه خویشاوندی که ازدواج را ناروا می‌سازد و نه بومی و نژادی یا حزبی؛ زیرا میان اینان دوستی و مهربانی بایسته نیست و مناسبات آن‌ها به برادری محدود نیست» (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۲: ۲۳۹).

رہیافت قرآن به ساماندهی پیوندهای درونی مسلمانان از بنیان‌های استواری وحدت اجتماعی میان آنان است. هریک از مؤمنان فارغ از وابستگی نژادی، رنگ، سرزمین و خانوادگی، در درون جامعه فراگیر اسلامی بر پایه اصل اخوت در حاشیه پشتیبانی حقوقی و امنیتی قرار دارند. اخوت مفهومی ارزشی است که قرآن نه تنها در روابط مسلمانان بر بایستگی آن تأکید ورزیده، بلکه پیامبران را هم برادر مردم دانسته است (شعرا: ۱۲۴-۱۲۳). چنانچه قوم عاد وقتی فرستادگان را تکذیب کردند، هنگامی که برادرشان هود به آنان گفت: «آیا خود نگه‌داری نمی‌کنید؟». قرآن نوح، صالح و لوط را با تعابیر یکسان، برادر مردم می‌خواند (شعرا: ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۴۲، ۱۶۱). برخی آیات نیز تنازع و اختلاف را مایه سستی و زوال شوکت جامعه اسلامی برشمرده و از آن بر حذر می‌دارد: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶).

ضمناً تجلی وحدت در جامعه اسلامی و گفت‌وگو میان امت، موجب عزت مسلمین می‌گردد؛ به طوری که خاستگاه تمدن نوین اسلامی به میزان وحدت و ضریب اقتدار بستگی دارد. اندیشمندان حوزه قرآنی ضمن بررسی علل اجتماعی بروز تمدن‌ها، به تأثیر اقتدار یا فقدان آن در سیر تحولات تمدن اسلامی پرداخته‌اند: «أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآتَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (غافر: ۲۱).

در حقیقت از دیدگاه مفسران، قدرت، ثروت و شوکت به‌تنهایی عامل تداوم اجتماع نیست.

چه بسیار تمدن‌ها که از جهات مادی قوی بودند، اما به علت اختلافات درونی، این اقتدار ظاهری مانع نابودی آنان نشد. برای نمونه در توضیح آیه «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶) آورده‌اند اختلاف و تنازع موجب ضعف مردم و از بین رفتن اعتماد اجتماعی است و لذا موجب از بین رفتن شوکت اسلام و تمدن اسلامی می‌گردد (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۵: ۱۶). علامه مجلسی در تفسیر آیه «مَا اخْتَلَفَ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ بَاطِلُهَا عَلَى حَقِّهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» آورده از منظر پیامبر (ص) تفرقه موجب پیروزی باطل بر حق در جوامع می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۴: ۳۹۴).

د) ضرورت اصل جهان‌وطنی اسلام: واژه «امت» در مطالعات اجتماعی قرآن، از اصطلاحات پرمعنا و هویت‌بخش است که تا حد بالایی با اصطلاح تمدن برابری می‌کند و چه بسا آن را به معنای انسانی نزدیک‌تر می‌سازد. مراد از «امت» مجموعه انسان‌های هم‌کیش و دارای افق فکری و اعتقادی هماهنگ هستند که نیازمندی‌های اساسی خویش را در سایه آن آیین برآورده می‌سازد و به طبع نوع خاصی از زندگی اجتماعی و سیاسی را شکل می‌دهد. اسلام به‌عنوان دین برتر و همه‌زمانی، دارای توان بالایی در طراحی امت است. از نظر آموزه‌های قرآنی همه انسان‌های معتقد به اسلام یک امت هستند، هرچند در نقطه‌های جغرافیایی مختلف باشند. از این رو همه جهان برای فرد مسلمان وطن شمرده می‌شود و هیچ‌چیزی جزء دیانت اسلامی با محوریت قرآن نمی‌تواند وی را محدود سازد. برای جامعه اسلامی بدیهی است که دیانت برتر و مقبول خداوندی، دین اسلام است که هیچ دینی با آن قابل مقایسه نیست. چنانچه خداوند به‌صراحت فرمود (آل عمران: ۸۵) زیرا آنچه بر پیامبر (ص) وحی شده دین خالص آدم و ابراهیم و تجدید یک توحید فطری و اصیل است (نصر، ۱۳۸۴: ۲) و اگر تمام آدمیان و پریان گرد آیند تا کتابی فراتر از قرآن آورند نمی‌توانند؛ حتی اگر همگان به پشتیبانی یکدیگر برخیزند (اسراء: ۸۸). این رویکرد البته مایه تشجیع و ایمان به خویشتن جوامع اسلامی می‌گردد. امری که دنیای امروز مسلمانان بدان نیاز دارد، زیرا بزرگ‌ترین مشکل جهان اسلام، خودباختگی در برابر اجتماع دیگران است و اگر ایمان به خویشتن مورد توجه باشد، تحولی عظیم پدید می‌آید (شریعتی، ۱۳۷۱: ۷۹).

ه) نیل به عدالت اجتماعی: در آموزه‌های پیشوایان دینی، عدالت اهمیت بسزایی در

۱- سید جمال‌الدین اسدآبادی یکی از دردهای بزرگ مسلمانان را باور نداشتن خویشتن و درمان آن را ایمان و اعتقاد به مکتب و داشته‌های خویش می‌دانست (مطهری، ۱۳۷۶: ۲۴).

رشد و پویایی و نیز دوام و پایداری جوامع انسانی دارد. به طوری که در برخی آیات اهداف کلی رسالت پیامبران درگذر تاریخ، برپایی عدل و گسترش داد اعلام شده است. انبیا با ارائه اسلوب تربیتی مردم را به برپایی عدالت فراخوانده‌اند تا جوامع انسانی در پرتو رهنمودهای وحیانی پرچم عدل و داد را بر فراز تمدن انسانی بگسترانند. چنانچه فرمود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵). نکته برجسته این آیه آن است که پیامبران در سامان‌دهی جامعه شایسته و عدالت محور نقش راهنما دارند و مردمان خود باید با پیروی از آیین دینت، جامعه را انسانی سازند.

استاد مصباح یزدی در شمارش اهداف نزول قرآن در دسته‌بندی سه گانه بینشی، گرایشی و عمل، کارکرد قرآن را در برپایی عدالت اجتماعی چنین توضیح می‌دهد: «عدالت و قسط، هر دو با رعایت حقوق دیگران و دستیابی هر کس به حق خویش مرتبط است؛ اما قسط بیشتر ناظر به پیاده کردن قوانین عادلانه است. قرآن هدف نزول کتاب‌های آسمانی و از جمله قرآن را اقامه قسط می‌داند، آن هم قسط عمومی که به دست مردم برپا گردد؛ بدین معنا که هدف، رشد دادن جوامع است تا آنجا که مردم، خود انگیزه اجرای عدالت پیدا کنند و آن را اجرا نمایند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ۲: ۳۶).

ایشان ضمن اشاره به آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا» (نسا: ۱۰۵) بیان می‌دارد عدالت مورد نظر قرآن و اجرای آن فقط در سایه قوانین الهی ممکن است. لذا در این آیه هدف از نزول قرآن حکم کردن پیامبر در بین مردم طبق دستور و رأی خداوند می‌داند. اجرای احکام دینی از یکسو، بر اساس قوانین عادلانه است و از دیگر سو، به دست عادل‌ترین انسان‌ها اجرا می‌شود. در نتیجه در مراحل قانون‌گذاری، ضامن عدالت اجتماعی است (همان: ۴۱).

اگر پیامبر (ص) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْدَسُ أُمَّةٌ لَا يُعْطِفُونَ الضَّعِيفَ مِنْهُمْ حَقَّهُ» (نهج الفصاحه، ۱۳۶۱: ۳۰۱)؛ به استناد این بیان امت و حکومتی که حق ضعیفان را پایمال کند، روی توسعه را نخواهد دید و سعادت‌مند نخواهد بود. حضرت (ص) در ضرورت گستره عدل و دادورزی در ابعاد اجتماعی فرمودند: «من عامل الناس فلم يظلمهم وحدثهم فلم يكدبهم ووعدهم فلم يخلفهم فهو ممن كملت مروءته وظهرت عدالته ووجبت أخوته وحرمت غيبته» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ۱: ۶۵۴).

هر کس در دادوستد با مردم، ستم روا ندارد و در گفتار با آنان دروغ نگوید و در وعده‌هایش مخالفت نکند، از جوانمردان کامل است؛ عدالتش آشکار و برادری با او واجب و بدگویی درباره وی حرام است. حتی گسترش عدالت در حکومت‌های اسلامی و نقش آن در ایجاد توازن مدنی چنان مهم است که پیامبر (ص) خود را مأمور برقراری عدالت می‌داند: «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُم» (شوری: ۱۵).

موضوع عدالت چنان در سرنوشت تمدن‌های بشری تعیین‌کننده است که از منظر قرآن فقدان عدل و داد سبب زوال جوامع گردد: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ» (انبیاء: ۱۱). سید محمدحسین فضل‌الله بر آن است که هدف قرآن آن است که مرزهای اشیاء و شیوه رویدادها را روشن نماید و دشواری‌ها را بگشاید و در کشمکش و اختلافات، خطوط روشنگر حق از باطل معین کند و با داوری دادگرانه جامعه را با عدالت به وحدت نائل کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۴: ۱۴۵). در این بین فارابی مهم‌ترین وظیفه حاکم و حکومت را اجرای عدالت می‌داند؛ از دیدگاه وی رسیدن به مدینه فاضله فقط در سایه عدالت میسر است (فارابی، ۱۹۹۵: ۲۲) بنابراین تلاش در جهت اجرای عدالت و تأمین حقوق مردم بر اساس شایستگی‌ها، بهره‌مندی از نظام عدل و قسط و پرهیز از ظلم و تعدی، از ارکان تبیین تمدن اسلامی و از عوامل شکوفایی جامعه اسلامی به شمار می‌رود.^۱

ز) اصل برابری: برابری همگان و امکان برتری اکتسابی با پابندی به ارزش‌های متعالی از آموزه‌های قرآنی است. اینکه قرآن فرمود: «ما شما را از جنسیت مختلف آفریدیم و به گروه‌ها درآوردیم که هیچ‌یک موجب برتری شما نمی‌شود»، تصریحی بر برابری آدمیان است که تنها با تقوایی و پارسائی نزد خدا ارج و منزلت می‌یابد (حجرات: ۱۳).

برابری و برادری انسان‌ها با یکدیگر در برابر خداوند و برتری نداشتن کسی بر دیگری و برخورداری همگان از حقوق مساوی، نگاه انسان‌شناسانه قرآن است که امکان زندگی متمدنانه را فراهم می‌سازد. نائینی با توجه بدین اصل که آن را در عصر کنونی نشان تمدن می‌داند، اظهار شادمانی می‌کند که پس از قرن‌ها، عموم اسلامیان به حقوق مشروع ملی و مشارکت و مساواتشان در جمیع امور با جائزین پی بردند و در خلع طوق بندگی جباران و استفاده حقوق غصب شده پیش رفتند (نائینی، ۱۳۳۴: ۳۷) ضمن اینکه این اصل امکان گفتگو و تعامل بدون خشونت و

۱- رهبری معظم فرمودند: «فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است» (بیانات، ۷۹/۷/۱۴).

استعلا را پدید می‌آورد که ضروری‌ترین شرط پیشرفت تمدنی و نشانه جامعه متمدن است؛ زیرا جامعه متمدن جامعه‌ای است که در آن تنبیه و زور که زبان نابرابری است، حتی‌الامکان کاهش می‌یابد (وایتهد، ۱۳۷۱: ۲۲۴).

تأمین امنیت اجتماعی: حصول امنیت در جامعه و تأمین ایمنی جان و آبروی مردم از هرگونه آسیب و زیان، در زمره نخستین رسالت‌های جامعه‌ای متمدن و در حال توسعه است. همچنین ضرورت حفظ کرامت انسانی، صیانت از حریم اسلام، لزوم بهره‌مندی از منابع طبیعی و ده‌ها دلیل دیگر، سرنوشت تمدن اسلامی را بیش از سایرین با مقوله امنیت گره زده است. به طوری که قرآن وجود امنیت اجتماعی و نبود ترس و وحشت را از شاخص‌های جامعه مطلوب و از نعمت‌های الهی می‌داند: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۴). بر اساس تمثیل قرآنی در بیان یک جامعه الگو، استقرار امنیت و آرامش همگانی، نشانه آشکار در بلوغ و کمال مدنی جامعه است و برعکس، زوال و سلب امنیت، نشانه سراسیمگی و سقوط تمدن آن‌هاست: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱۲).

همچنین هنگام یادآوری نعمت‌های فراوان قوم سبأ به‌عنوان جامعه دارای تمدن در شبه جزیره عربستان، پس از بیان عمران و آبادی سرزمین آنان، به ویژگی برتر این قوم در بهره‌مندی از امنیت کامل در شب و روز اشاره می‌کند: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرًا وَآيَاتًا آمِنِينَ» (سبأ: ۱۸).

دعای ابراهیم خلیل الله (ع) در سرزمین سوزان و لم‌یزرع مکه و پیشی دادن به امنیت نسبت به سایر نیازها، بیانگر این است که امنیت و آرامش، پیش شرط هرگونه آبادانی و پیشرفت مادی و معنوی در جامعه است: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ» (بقره: ۱۲۶).

این پیامبر الهی اصلی‌ترین نیاز اجتماع را پیش از هر تقاضای دیگری درخواست امنیت می‌داند. چرا که تحقق راهبردها و راهکارهای خرد و کلان در برخورداری از زندگی مطلوب، بدون امنیت ناممکن است و اصولاً تمدن‌هایی که نعمت امنیت را از دست دهند، سایر نعمت‌ها را نیز از دست خواهند داد. لذا ضرورت امنیت اجتماعی با ابعاد گسترده‌ای که دارد بر هیچ شخص و مکتبی پوشیده نیست

۳. آموزه‌های تربیت سیاسی

علاوه بر آموزه‌های اجتماعی، تربیت سیاسی نیز در تبیین الزامات تمدن نوین اسلامی نقش آفرین خواهند بود. به طوری که به علت رابطه جهت‌دار اجتماع و سیاست، آن دسته از آیات الهی که شاخصه‌های تمدن اسلامی را طرح می‌نمایند، در متن خود از مؤلفه‌های سیاسی اثرگذار فروگذار نیستند. لذا مسلمانان بایستی با بهره‌مندی از شاخصه‌های تربیت سیاسی، استقلال جامعه اسلامی را تأمین نمایند.

الف) خوداتکایی با روحیه عزت طلبانه: در فرهنگ قرآن، جلوه‌گر نمودن اقتدار امت اسلامی و برخوردار شدن مسلمین از تمکن مادی در جهت تأمین عزتمندی و حفظ منافع مشترک^۱ از بایسته‌های مسلم تمدن نوین اسلامی است. چراکه وابستگی به دیگران، در حوزه‌های متنوع اقتصادی، صنعت و ... زمینه‌ساز وابستگی‌های فکری و فرهنگی جوامع اسلامی شده، از اقتدار سیاسی^۲ کاسته و موجب استیلاي ارزش‌های فرهنگی بیگانگان بر مسلمانان می‌گردد. لذا قرآن با صراحت نسبت بدین مسئله موضع‌گیری نموده و به تعبیری اصل عزت را به‌عنوان یک اصل راهبردی معرفی نموده است. چراکه از دیدگاه قرآن پیشرفت همه‌جانبه و الگو بودن تمدن نوین اسلامی زمانی محقق خواهد شد که امت اسلامی در همه جهات دارای سرفرازی و برتری باشد. پس فرمود: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸).

به‌علاوه بر مسلمانان واجب است که در مسیر تقویت تمدن نوین اسلامی وابسته به بیگانگان نباشند و هیچ‌گاه سلطه‌طلبی آنان را نپذیرند. به طوری که قرآن اصل نفی سلطه را مطرح نموده است. می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ بِحُكْمِ بَيْنِكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱).

در تبیین حفظ روحیه استکبارستیزی و تقویت روحیه عزت طلبانه آیاتی چون «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ» (مائده: ۵۱). بیانگر این نکته است که دوستی با سایر دولت‌های غیرمسلمان، البته در صورتی که اقتدار جوامع اسلامی را در صحنه سیاست جهانی مخدوش نماید، به تقویت تمدن اسلامی نمی‌انجامد. قرآن هشدار می‌دهد که یهود و نصارا جز به پیروی مسلمانان از آیین آنان راضی نمی‌شوند: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ

1-Common Interests

2-Political Authority

مَلَمَّهُمْ» (بقره: ۱۲۰).

پس دوستی با استکبار و نیز ایجاد روابط بدون رعایت مبادی دیپلماتیک^۱ چنانچه به روح عزتمندی و اقتدار جامعه اسلامی آسیب برساند مذموم است. تاریخ سیاسی نشان می‌دهد که بحران‌های بنیادین^۲ در اثر نفوذ مستکبرانه غرب، منطقه خاورمیانه^۳ را به کانون چالش‌ها تبدیل نموده است؛ بنابراین سیاستمداران اسلامی در روابط بین‌الملل^۴ بیش از گذشته مکلف‌اند تا راه‌های نفوذ را بر بیگانه و سلطه غرب ببندند و با اتکا به دستاوردهای اقتصادی، صنعتی و نظامی ممالک اسلامی در صیانت از تمدن نوین اسلامی گام بردارند.

ب) استقرار رهبران مصلح: افزون بر پایبندی امت به قوانین الهی، دقت نظر رهبران جوامع بدین مبادی، نقش تعیین‌کننده در آهنگ کلی حرکت و یا افول و انحطاط تمدن‌های انسانی دارد. لذا قرآن به‌ضرورت مدیریت صالحان به جهت توسعه و تعالی امت اسلامی و رشد تمدن اسلام تصریح نموده است. برخی آیات با تبیین حکمت بعثت انبیا و نزول آیات: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا» (نساء: ۱۰۵)؛ مدیریت جامعه را بر اساس آموزه‌های الهی از راهبردهای قرآن معرفی می‌نماید. این مسئله چنان دارای اهمیت است که قرآن شرایط رهبر جامعه ایمانی را این‌چنین بیان می‌دارد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده: ۵۵-۵۶).

الزام سیاسی بر حاکمیت حاکم صالح از دیدگاه قرآن چنان واضح است که فخر رازی در تفسیر آیاتی از سوره بقره (۲۰۷-۲۰۴) می‌نویسد: «و انسان چون به زمامداری رسید بسان زمامداران نابکار به نابودگری کشاورزی و نسل‌ها در زمین رفتار می‌کند» (رازی، ۱۴۲۰، ۵: ۳۷۵). همچنین بیضاوی نیز بر پایه یک دیدگاه چنین رفتاری را از آن کارگزاران سیاسی می‌داند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۱: ۱۳۳).

در واقع این‌گونه رفتارها در عرصه قدرت از سوی قرآن با هشدار استوار بر پیشگیری از تباهی روابط اجتماعی روبه‌رو شده که می‌تواند نابودی چهره انسانی و اقتصادی و فروپاشی نسلی را در پی داشته باشد. البته قرآن به چهره‌های درخشان از حاکمان حق‌گرا نیز که با بهره‌مندی از

-
- 1- Diplomatic
 - 2- Fundamental Crisis
 - 3- Middle -East
 - 4- International Relation

ابزارهای سیاسی، در به سازی روابط اجتماعی برآمده و رهنمون‌های قرآنی را هدف دستیابی به قدرت قرار داده‌اند اشاره دارد. چنانچه می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱). فخر رازی مراد از این تمکن را فرمانروایی و اعمال نفوذ در میان مردم معرفی می‌نماید (رازی، ۱۴۲۰، ۲۳: ۲۳۰).

ابن کثیر نیز به کارکرد قدرت سیاسی در اصلاح روابط اجتماعی اشاره کرده و آیه یادشده را مانند آیه ۵۵ سوره نور دانسته است (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۵: ۳۸۳) وی می‌نویسد: «در حقیقت در قرآن پس از هر حکمی و در پی تشکیل هر نهادی حکمت و آموزه‌ای نهفته است که توجه بدان می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی کمک کند، به‌ویژه اگر این توجه عمومی از سوی همه شهروندان مؤمن به اصالت آموزه‌های وحیانی باشد» (همان). از دیدگاه قرآن رهبر امت اسلامی باید از آگاهی علمی و فضائل ایمانی و اخلاقی کافی نیز برخوردار باشد تا بتواند جامعه اسلامی را به سوی کمالات سوق دهد. خداوند در پاسخ به سؤال حضرت ابراهیم (ع) فرمود: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴). اینکه تنها فرزندان پاک ابراهیم (ع) شایستگی مقام اداره جامعه و امامت امت را دارند، نه صرفاً یک تذکر لسانی، بلکه تبیین خط‌مشی راهبردی در یک جامعه متمدن اسلامی و توحیدی است.

در حقیقت قرآن ضمن معرفی خصوصیات رهبران برای رساندن جوامع اسلامی به اهداف مطلوب، امامان و حکمرانانی را می‌ستاید که هنگام رسیدن به قدرت حکومت، اعمالی چون نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر را [به‌عنوان تجسم ارزش‌های الهی در زمین] احیاء می‌کنند: «الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱) این نکته از منظر قرآن آن‌چنان بنیادین است که در راستای تقویت تمدن نوین اسلامی صراحتاً به فقدان رهبران شایسته و خیراندیش در جامعه هشدار می‌دهد: «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ» (هود: ۱۱۶). با این اوصاف ایجاد تمدن‌الگو به دست حکمرانان شایسته، از الزامات ممالک اسلامی بوده و به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، سیمای تمدن نوین اسلامی بیش از گذشته در جهان اسلام تجلی یافته است.

ج) ضرورت تقویت حوزه‌های اقتصادی: پیش‌تر گذشت که حیات مطلوب

ایمانی، جنبه‌های گوناگون وجود انسان را به‌طور متوازن در نظر داشته و در پی تأمین خاستگاه‌های وجود مادی و معنوی انسان به‌صورت واقع‌بینانه است. به‌طوری‌که زندگی آخرتی انسان مؤمن، از دل زندگی دنیایی او شکل گرفته و حیات معنوی وی در متن زندگی مادی ساخته می‌شود. لذا می‌فرماید: «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷). از همین رو بهره‌مندی از ظرفیت‌های اقتصادی در جهت نهادینه نمودن عزت و استقلال همه‌جانبه مؤمنان امری قطعی است. لذا استقلال مالی با بهره‌مندی از منابع طبیعی عدم وابستگی مسلمانان به بیگانگان را به دنبال داشته و این ساختار مورد سفارش قرآن است: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» (اعراف: ۱۰).

در نتیجه مسلمانان مکلف‌اند در مسیر توسعه تمدن اسلامی از امور دنیوی و توسعه حوزه اقتصاد کشورهای اسلامی غافل نگردند. اهمیت این نکته زمانی افزون می‌گردد که تقویت بهره‌مندی از امکانات ملی با مؤلفه‌هایی چون تولید، اشتغال و. منجر به تبدیل استعدادهای بالقوه بلاد اسلامی به بالفعل شود. اصلی که عمران و پیشرفت را به ارمغان خواهد آورد. چنانچه می‌فرماید: «وَأَلِي تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» (هود: ۶۱).

در حقیقت قرآن با یادکرد نیک و با نگاهی ارزشمند، از امت‌های دارای تمدن پیشین نام می‌برد؛ آنان که برخوردار از تمکن بودند، همه‌چیز [امکانات] داشتند. پس خداوند سرزمین آنان [و جامعه آنان] را پاک و پاکیزه می‌خواند: «لَقَدْ كَانَتْ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ» (سبأ: ۱۵). البته در تربیت ایمانی قرآن این توجه به شکوفایی اقتصادی دارای صبغه توحیدی بوده: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَنْزِقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (انعام: ۱۵۱) و هر فعالیت اقتصادی درگرو بایسته‌هایی چون ابزاری بودن (آل عمران: ۱۴)؛ مشروعیت (نساء: ۲۹) و عدالت (حشر: ۷) به روابط سالم پولی منجر می‌شود. با رعایت این موازین، فعالیت‌های اقتصادی در اسلام برخلاف روابط بی‌ضابطه در جوامع سرمایه‌داری، باعث توسعه متوازن و سازندگی می‌گردد.

د) اهتمام به توسعه صنعتی: صنعت و فن‌آوری در برتری و کمال تمدن بشری جایگاهی ویژه دارد. چراکه توسعه صنعت خاستگاه و عامل تفوق اقتصادی، نظامی، سیاسی و

فرهنگی جوامع انسانی است؛ بنابراین نباید ممالک اسلامی نیز از این اصل مهم تمدن ساز غفلت نمایند. اینکه قرآن در آیه ۶۰ سوره انفال «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» را مطرح می‌کند، در تفاسیر «قُوَّة» که کلمه کوچک و پرمعنایی است نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن اعصار را دربردارد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی که باعث توسعه و غلبه بر بیگانگان است را شامل می‌گردد؛ اعم از مادی و معنوی، فنون و صنعت (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۷: ۲۲۲).

در نگاه دینی، همه پدیده‌های جهان هستی و نعمت‌های آشکار و پنهان الهی در تسخیر انسان قرار دارد. تا با کاوش علمی و بکار بستن اندیشه به فن‌آوری دست یابد و بتواند از این منابع خدادادی در جهت شکوفایی تمدن خویش بهره جوید: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ» (لقمان: ۲۰).

قرآن نیز با طرح الگوهای تاریخی در بین پیشینیان و با اشاره به قصص الانبیا، بی‌اعتنایی جوامع توحیدی را بدین واقعیت اجتناب‌ناپذیر باعث عقب‌ماندگی می‌داند. آیات الهی با بیان داستان مصلحان و خداجویان، [مثل ذوالقرنین] به توانمندی بالای او در زمین و بهره‌مندی از ابزارهای طبیعت در سدسازی [که از مصادیق تمدن‌های گذشته است] اشاره می‌نماید: «إِنَّا مَكْنَنًا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا» (کهف: ۸۴) به علاوه قرآن با یادآوری اشتغال حضرت داوود (ع) به حرفه زره بافی، تلاش دارد سایر تمدن‌های بشری را با نقش آفرینی فنون و صنایع آشنا نموده، آن‌ها را به توسعه فن آورانه و دانش‌بنیان ترغیب نماید و کارایی اهل حرف را در تقویت عناصر تمدن ساز مورد تأکید قرار دهد. چنانچه فرمود: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ» (انبیاء: ۸۰). ضمناً اهتمام حضرت نوح (ع) به گردآوری ابزار و شیوه‌ها و گردآوری اطلاعات روز، در جهت صنعت کشتی‌سازی، فن‌آوری ایشان را به یکی از الگوهای مصرح قرآن تبدیل نموده است: «وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الْذِّينِ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ» (هود: ۳۷).

بی‌تردید پیشرفت در صنایع تولیدی، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، ایجاد مراکز تولیدی و... خودکفایی امت اسلامی را در عرصه روابط بین‌الملل رقم خواهد زد. ضمناً این دستاورد مهم به عزتمندی امت اسلامی خواهد انجامید و سرانجام استحکام تمدن نوین اسلامی در سایه رشد و توسعه فناوری به منصفه ظهور خواهد رسید.

۵) افزایش قدرت تجهیزات دفاعی: در اثر مناسبات نظام‌های سیاسی و تمایلات

سودجویانه غریبان همچون نژادپرستی، برتری‌جویی، استثمار منابع ملت‌ها و... متأسفانه جنگ‌افروزی در طول تاریخ، از روش‌های لاینفک قلدرمآبانه و ستیزه‌جویان است. از سوی دیگر منازعه باطل‌گرایان با حق‌مداران در حیات اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است. لیکن مکتب حیات‌بخش اسلام برای بنای جامعه‌ای صالح و پیشرفته بایست با تدابیر مستحکم، در برخورد با معاندان و زیاده‌طلبی طاغوت ثبات قدم نماید، لذا ارتقا‌توانمندی امت اسلام در ابعاد دفاعی و تجهیزات نظامی از واجبات شرعی و مورد تأکید اسلام است. لذا قرآن به موضوع قدرت دفاعی جامعه اسلامی در پاسخ قاطع در برابر هجمه‌های بیگانگان توجه ویژه داشته و آن را به‌عنوان عامل اقتدار تمدن اسلامی از صدر اسلام مورد توصیه قرار داده است.

در آیه ۸۴ سوره نساء فرمان پیکار در راه خدا به‌عنوان دستوری حکومتی برای رهبران آمده است. به دنبال این دستور امید بر قدرت الهی و مافوق بودن قدرت و مجازات الهی بیان می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴: ۳۴). به‌علاوه برای مصونیت بخشی به جامعه اسلامی در برابر دشمنان، مسلمانان از سستی پرهیز شده و دستور آمادگی همه‌جانبه در بعد دفاعی داده شده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفَ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال: ۶۰) در آیه‌ای دیگر مسلمانان را به حفظ آمادگی نظامی در برابر دشمنان دین که تلاش در جهت ضربه زدن به زیرساخت‌های تمدن اسلامی دارند دعوت می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ ائْفِرُوا جَمِيعًا» (نساء: ۷۱).

اساساً آموزه‌های تمدن ساز قرآن، بارها امت اسلامی را خطاب قرار داده و خواسته چنان رفتار کنند که اسلام‌ستیزان، صلابت و اقتدار و توسعه تمدن اسلامی را دریابند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۱۲۳). در این میان وعده‌ها و نصرت الهی در جبهه‌ها تقویت مسلمین را به دنبال دارد؛ بنابراین قرآن با توجه به لزوم آمادگی روانی و معنوی، رزمندگان را به مدد‌های غیبی که همراه مؤمنان شکیبا و متقی خواهد بود، وعده می‌دهد: «إِنْ تَمَسَسْتُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل عمران: ۱۲۰). چرا که دفاع قانونمند از ارزشمندترین تلاش یکتاپرستان برای حفظ کیان فرهنگی و اعتقادی به شمار می‌رود. لذا فرمود: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹).

به استناد این آیات، مسلمانان که از سوی سلطه‌طلبان به جنگ وادار شده‌اند، نه تنها برای

جهاد و دفاع از حریم تمدن اسلامی اجازه دارند، بلکه کارزار با دشمنان اسلام جز تکالیف الهی است. با این اوصاف توانمندی دفاعی مسلمین فراهم کننده مؤلفه‌های زندگی قدرتمند، توأم با تأمین امنیت برای امت اسلامی است. بایسته‌هایی که موجب اعتلای تمدن نوین اسلامی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

رسیدن به یک تمدن مطلوب و مدینه فاضله هدف آرمانی یک نظام اجتماعی بالنده است. لیکن حل این مسئله که آیا در قرآن کریم به الزامات سیاسی و اجتماعی این مسئله پرداخت شده پرسشی است که در پژوهش حاضر سعی گردید بدان پاسخ داده شود. چراکه طراحی الگویی برای تمدن جدید اسلامی بدون توجه به ظرفیت‌های قرآنی امری کم‌ثمر و گاهی بی‌اثر خواهد بود.

بازکاوی آیات الهی به‌عنوان منبع اصلی «تمدن‌سازی در اسلام» گواه این واقعیت است که نقطه آغازین در این فرآیند تمدن‌سازی نیل به انتظام اجتماعی و حصول اقتدار سیاسی است. به‌طوری‌که قرآن در کنار تصویرسازی روشن از نظام اجتماعی و سیاسی اسلام، پیوسته با بهره‌مندی از اصولی همچون مدنیت و قانون‌گرایی به تثبیت نظام متمایز تأکید دارد.

همچنین عدم جدایی دین از سیاست، لزوم حاکمیت اسلام و اجرای قوانین الهی، مشارکت اجتماعی آحاد مسلمین در تحقق تمدن نوین اسلامی، اعتدال و میانه‌روی و عدم تقلید و وابستگی به تمدن غرب، از مهم‌ترین شاخصه‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی است. از سویی دیگر نهادهای مؤلفه‌های اجتماعی و سیاسی در قرآن، اتحاد و انسجام اسلامی، عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی، تحقق اقتصاد اسلامی با رویکرد توسعه همه‌جانبه، پیشرفت در فناوری و صنعت و نیز ارتقا توانمندی‌های نظامی از مهم‌ترین الزامات تمدن نوین اسلامی از منظر آیات الهی است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

- ۱- ابن عاشور، محمد طاهر، (بی تا)، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ۲- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۳- ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
- ۴- افخمی اردکانی، محمدعلی، (۱۳۸۶ ش)، «تبیین روش‌های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه»، فصلنامه نهج البلاغه، دوره ۱۴، شماره ۵۶.
- ۵- ایمانی، محسن، (۱۳۶۶ ش)، «تربیت اجتماعی»، فصلنامه تربیت، شماره ششم.
- ۶- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۷- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ش)، *غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۸- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۶ ش)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران، دفتر نشر معارف.
- ۹- جان، الیاس، (۱۳۸۵ ش)، *فلسفه تعلیم و تربیت*، ترجمه عبدالرضا ضرابی، قم، مؤسسه امام (ره).
- ۱۰- جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۵ ش)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۱- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۲ ش)، *ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در اعتلای مجدد تمدن نوین اسلامی*، مجله مدیریت فردا، دوره ۱۰، شماره ۴۰.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳ ش)، *توحید در قرآن*، قم، اسراء.
- ۱۳- خطیب، عبدالکریم، (بی تا)، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بیروت، دارالفکر العربی.
- ۱۴- دوران، ویل، (۱۳۷۸ ش)، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۵- رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۶- رسولی، امیر ابراهیم، (۱۳۹۲)، *فرهنگ امروز*، ماهنامه علوم انسانی، شماره ۲.
- ۱۷- زمانی، مصطفی، (۱۳۴۸ ش)، *اسلام و تمدن جدید*، تهران، کتابخانه صدر.
- ۱۸- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰ ش)، *درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران، کیهان.
- ۱۹- سید رضی، (بی تا)، *نهج البلاغه*، تصحیح صبحی صالح، قم، دارالهجره.
- ۲۰- صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ ش)، *الفرقان فی تفسیر القرآن و السنة*، قم، فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- ۲۱- صدر، سید محمدباقر، (۱۳۸۸ ش)، *سنت‌های تاریخ در قرآن*، ترجمه سید جمال موسوی، تهران، انتشارات روزبه.
- ۲۲- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، (۱۴۰۳ ق)، *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ۲۳- طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲ ش)، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- ۲۴- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۶۹ ش)، *المیزان فی التفسیر القرآن*، قم، بوستان کتاب.
- ۲۵- طحان، مصطفی محمد، (۱۳۸۵ ش)، *چالش‌های سیاسی جنبش اسلامی معاصر*، خالد عزیزی، تهران، نشر احسان.
- ۲۶- عمید، حسن، (۱۳۵۸ ش)، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.
- ۲۷- فارابی، محمد بن محمد، (۱۹۹۵ م)، *آراء اهل المدينة الفاضلة و مضاداتها*، شرح و تعلیق: علی بن ملحم، چاپ اول، بیروت، مکتبة الهلال.
- ۲۸- فرجی، مهدی، (۱۳۹۵)، *نوربرت الیاس و تحلیل تمدنی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- ۲۹- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ ش)، *تفسیر نور*، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۳۰- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، *بحارالانوار*، مصحح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دار احیا التراث العربی.
- ۳۱- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۴۱۷ ق)، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳۲- المسایح، احمد عبدالرحیم، (۱۴۱۰)، *فلسفه الحضارة الاسلامیة*، قاهره، بی‌نا.
- ۳۳- مشیری، مهشید، (۱۳۷۴ ش)، *فرهنگ زبان فارسی*، تهران، سروش.
- ۳۴- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۳ ش)، *قرآن‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۳۵- مصطفوی، سید حسن، (۱۳۶۰ ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۶- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۲ ش)، *جامعه و تاریخ*، چاپ شانزدهم، تهران، صدرا.
- ۳۷- معین، محمد، (۱۳۷۱ ش)، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
- ۳۸- مغینه، محمدجواد، (۱۴۲۴ ق)، *تفسیر کاشف*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۹- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۵۳ ش)، *تفسیر نمونه*، طهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۰- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۸ ش)، *صحیفه نور*، ج ۸، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۴۱- نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۹ ق)، *مستدرک الوسائل*، بیروت، آل‌البتی.
- ۴۲- ولایتی، علی‌اکبر و همکاران، (۱۳۹۲ ش)، *تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر.
- 43- Hodgson, Marshall G.S, (1974), *The Venture Of Islamic, Conscience And History In a World Civilization, The Classical Age Of Islamic, Vo1,1*, Chicago And London, The University Of Chicago Press.

REFERENCES

* The Holy Quran.

1. Ibn Ashour, Muhammad Tahir, (n.d), Al-Tahrir wa al-Tanwir, Beirut, Institute of Al-Tarikh Al-Arabi.
2. Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar, (1419 AH), Tafsir al-Qur'an al-Azhim, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
3. Ibn Manzour, Abulfazl Muhammad bin Mukarram, (1414 AH), Lisan al-Arab, Beirut, Dar Sader.
4. Afkhami Ardakani, Mohammad Ali, (2006), "Explanation of social education methods in Nahj al-Balaghah", Nahj al-Balaghah Quarterly, Vol. 14, No. 56.
5. Imani, Mohsen, (1366), "Social Education", Tarbiat Quarterly, No. 6.
6. Beydhawi, Abdullah bin Omar, (1418 AH), Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Tawil, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
7. Tamimi Amidi, Abdulwahid bin Muhammad, (1366), Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, researched by Mustafa Derayati, Qom, Islamic Propaganda Office.
8. Jan Ahmadi, Fatemeh, (2016), History of Islamic Culture and Civilization, Tehran, Ma'arif Publishing House.
9. John, Ilyas, (2005), Philosophy of Education, translated by Abdul Reza Zarrabi, Qom, Imam Institute.
10. Jafari, Mohammad Taqi, (1375), translation and interpretation of Nahj al-Balaghah, Tehran, Islamic Culture Publishing House.
11. A group of authors, (1382), The Pillars of Civilization and the Role of the Islamic Revolution in Uplifting the New Islamic Civilization, Farda Management Magazine, Vol. 10, No. 40.
12. Javadi Amoli, Abdullah, (1383), Monotheism in the Qur'an, Qom, Isra.
13. Khatib, Abdul Karim, (n.d), Al-Tafsir al-Qur'ani li'l-Qur'an, Beirut, Dar al-Fikr Al-Arabi.
14. Durant, Will, (1378), History of Civilization, translated by Ahmad Aram et al., Tehran, Center for Scientific and Cultural Publications.
15. Radhi, Fakhr al-Din Muhammad ibn Umar (1420 AH), Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
16. Rasouli, Amir Ibrahim, (1392), Today's Culture, Humanities Monthly Magazine, No. 2.
17. Zamani, Mustafa, (1348), Islam and New Civilization, Tehran, Sadr Library.
18. Saroukhani, Baqir, (1370), Introduction to Social Science Encyclopedia, Tehran, Kayhan.
19. Seyyed Radhi, (n.d), Nahj al-Balaghah, edited by Sobhi Salih, Qom, Dar al-Hijrah.
20. Sadeghi Tehrani, Muhammad, (1365), Al-Furqan fi Tafsir Al-Qur'an wa Sunnah, Qom, Farhang Islami, second edition.
21. Sadr, Seyyed Muhammad Baqir, (1388), Traditions of History in the Qur'an, translated by Seyed Jamal Mousavi, Tehran, Roozbeh Publications.
22. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Hussein bin Musa bin Babvayh Qommi, (1403 AH), Al-Khisal, edited by Ali Akbar Ghaffari, Qom, Jamia Mudarrisin.

23. Taleghani, Seyyed Mahmoud, (1362), Partovi az Quran (A Light from the Qur'an), Tehran, Enteshar Publishing Company.
24. Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hussein, (1369), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Boštan Kitab.
25. Tahhan, Muštafa Muhammad, (1385), Political Challenges of the Contemporary Islamic Movement, Khaled Azizi, Tehran, Ehsan Publishing.
26. Amid, Hasan, (1358), Farhang Amid, Tehran, Amir Kabir.
27. Farabi, Muhammad bin Muhammad, (1995), Ara' Ahl al-Madinah al-Fadhilah wa Mudhaddatuha, Explanation and Commentary: Ali bin Milham, first edition, Beirut, Maktabah Al-Hilal.
28. Faraji, Mehdi, (1395), Norbert Elias and Civilization Analysis, Tehran, Culture, Art and Communication Research Institute
29. Qeraeti, Mohsen, (1383), Tafsir Noor, 11th edition, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
30. Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH), Bihar al-Anwar, revised by a group of scholars, second edition, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
31. Center for Quranic Culture and Education, (1417 AH), Encyclopaedia of the Holy Quran, Qom, Islamic Publications Office.
32. Al-Masayih, Ahmad Abdul Rahim, (1410), Philosophy of Islamic Civilization, Cairo, (s.n).
33. Moshiri, Mahshid, (1374), Persian Language Dictionary, Tehran, Soroush.
34. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1383), Quranic Studies, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
35. Moštafawi, Seyyed Hasan, (1360), Al-Tahqiq fi kalimat al-Quran, Tehran, Translation and Publication of Book Institute.
36. Motahhari, Morteza, (1382), Society and History, 16th edition, Tehran, Sadra.
37. Moin, Mohammad, (1371), Farhang Farsi, Tehran, Amir Kabir.
38. Mughniyah, Muhammad Jawad, (1424 AH), Tafsir Al-Kashif, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
39. Makarem Shirazi, Naser et al., (1353), Tafsir Nomooneh, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
40. Mousavi Khomeini, Ruhollah (1368), Sahifah Noor, Vol. 8, Tehran, Publications of Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute.
41. Nouri, Mirza Hossein, (1409 AH), Mušadrak al-Wasa'il, Beirut, Aal al-Bayt.
42. Velayati, Ali Akbar et al., (1392), Calendar of the History of Culture and Civilization of Islam and Iran, 4th edition, Tehran, Amir Kabir.
43. Hodgson, Marshall G.S, (1974), The Venture Of Islamic, Conscience And History In a Word Civilization, The Classical Age Of Islamic, Vo1,1, Chicago And London, The University Of Chicago Press.